



www.ketab.ir

سرشناسه:	خامنه‌ای، سیدمحمد، ۱۳۱۴-
عنوان و نام پدیدآور:	خاطرات آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای / تدوین: جواد کامور بخشایش، جواد عربانی.
مشخصات نشر:	تهران: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری:	۵۴۰ ص.
فروست:	مؤسسه فرهنگی و هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲. خاطرات: ۱۲۳.
شابک:	دوره: ۹۷۸۹۶۴۰۴۱۹۰۶۳۷۰۹-۹۷۸۹۶۴۰۴۱۹۰۶۳۷۰۹ (ج ۱) ریال: ۱۷۰۰۰۰
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه.
موضوع:	خامنه‌ای، سیدمحمد، ۱۳۱۴-
موضوع:	جنبش‌ها و قیام‌ها - ایران - تاریخ
موضوع:	ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۰۴-۱۳۵۷ - روحانیت
موضوع:	ایران - تاریخ - جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸-
شناسه افزوده:	کامور بخشایش، جواد، ۱۳۵۳-
شناسه افزوده:	عربانی، جواد، ۱۳۵۹-
شناسه افزوده:	مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
رده‌بندی کنگره:	DSR ۱۶۷۰ / خ ۲ آ ۳ ۱۳۹۱
رده‌بندی دیویی:	۹۵۵/۰۸۴۰۹۲۲
شماره کتابشناسی ملی:	۳۰۷۷۲۲۱



مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات

عنوان: فاطرات آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای (جلد اول)

تدوین: جواد کامور بخشایش، جواد عربانی

مصاحبه گران: رضا سظامی، عباس آقایی

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۲ شمارگان: ۲۰۰۰

قیمت جلد شومیز: ۱۷۰۰۰ تومان قیمت جلد کالینگور: ۱۸۵۰۰ تومان

حروف‌چینی و لیتوگرافی: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

چاپ و صحافی: چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی

شابک(ج ۱): ۰-۹۶۴-۹۷۸-۱۹-۶۳۷-۹

ISBN: 978-964-419-630-0

شابک دوره: ۹-۶۳۷-۹-۱۹-۶۶۴-۹۷۸

ISBN: 978-964-419-637-9

کلیه حقوق این اثر برای نشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به میدان قدس، روبه‌روی پمپ بنزین اسدی، پلاک ۱۹۵۴،

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۳۸۹۶ تلفن: ۲۲۲۱۱۱۹۴ تلفکس: ۲۲۲۱۱۱۷۴

www.irdc.ir

فهرست مطالب

۱۳	مقدمه
۱۷	پیشگفتار
۲۳	سخن راوی

فصل اول:

۳۱	تکاپو برای دانستن
۳۳	خاندان حسینی خامنه‌ای
۳۴	پدر
۴۵	مادر
۴۸	وضعیت خانواده
۵۱	اولین مدرسه
۵۸	فراگیری علم تجوید
۵۹	سفر به عتبات عالیات
۶۱	در کسوت روحانیت
۶۴	در مدرسه‌ی نواب
۷۴	شوق فراگیری فلسفه
۷۷	عشق به مطالعه
۸۰	علاقه به شعر و ادبیات
۸۶	حضور در برخی جلسات رسمی

- ارتباط با برادران ۸۸
- آغاز فعالیت‌های سیاسی در مشهد ۸۸
- از حجاز تا عراق با پدر ۹۶
- دوستی با حاج آقا مصطفی ۹۷
- تشویق به تحصیل در قم ۹۸

فصل دوم:

- در جستجو و احیای هویت دینی ۱۰۱
- شخصیت علمی و اجتماعی امام خمینی ۱۰۸
- قم قدیم ۱۱۳
- ارتباط با علما ۱۱۶
- اهتمام برای نگارش دایره‌المعارف علوم اسلامی ۱۱۸
- ازدواج ۱۱۹
- کنجکاو در علوم ۱۳۳
- فلسفه و منازعات پیرامون آن ۱۲۴
- کارهای فوق برنامه ۱۳۵
- برگزاری کلاس نویسندگی ۱۳۲
- جلسه‌ی استانی طلاب خراسانی ۱۳۳
- همکاری در تأسیس مؤسسه‌ی در راه حق ۱۳۵
- ایجاد کتابخانه‌ی سیار ۱۳۶
- تأسیس مؤسسه‌ی خبریه‌ی علوی ۱۳۷
- سفر تبلیغی ۱۳۹
- تلاش برای تأسیس مدرسه‌ی دخترانه ۱۴۰
- تلاش نافرجام در تأسیس تعاونی طلاب ۱۴۲
- آشتی علامه طباطبایی با آیت الله تهامی ۱۴۴

فصل سوم:

- ۱۴۷..... پویایی در زلال جاری نهضت
- ۱۴۹..... امام خمینی؛ بیت آیت‌الله بروجردی و فضای بسته‌ی حوزه ی قم
- ۱۵۱..... درگذشت آیت‌الله بروجردی؛ نقطه‌ی عطف در حوزه و تاریخ
- ۱۵۴..... عزای فوت آیت‌الله بروجردی
- ۱۵۶..... امام خمینی پس از رحلت آیت‌الله بروجردی
- ۱۶۰..... رقابت حوزه‌های قم و نجف
- ۱۶۳..... مرجعیت امام
- ۱۶۶..... آغاز نهضت امام خمینی
- ۱۷۳..... مأموریت از سوی امام
- ۱۷۶..... حدیث نهضت در مشهد
- ۱۸۳..... سربازگیری طلاب
- ۱۸۵..... حمله‌ی رژیم به مدرسه‌ی فاضیه و بروز قیام ۱۵ خرداد
- ۱۸۶..... رویارویی با تهدید پلیس
- ۱۸۸..... فعالیت امام علیه کاپیتولاسیون
- ۱۸۸..... وضع طلاب در قم
- ۱۸۹..... فعالیت‌های سیاسی در ایام تبعید امام
- ۱۹۱..... مجادله با آیت‌الله

فصل چهارم:

- ۱۹۵..... تاریخ روشنائی مبارزه
- ۱۹۷..... تشکیل گروه زیرزمینی یازده نفره
- ۲۲۰..... زندگی مخفی
- ۲۲۲..... تحصیل در دانشکده‌ی حقوق
- ۲۲۹..... فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی در دانشگاه
- ۲۳۳..... تدریس در دبیرستان‌ها
- ۲۳۵..... اعراض از قبولی امامت جماعت

انجام کار علمی.....	۲۳۷
بورس فرانسه.....	۲۳۸
خدمت نظام وظیفه.....	۲۴۲
فعالیت‌های فرهنگی در مدرسه‌ی کمال و هنرستان کارآموز.....	۲۴۸
فرجام کار معلّمی.....	۲۶۱
دیگر فعالیت‌های فرهنگی.....	۲۶۴
نمیت ترجمه.....	۲۶۹
تحقیق درباره‌ی قرآن و نهج البلاغه.....	۲۷۲
مرگ آقا مصطفی.....	۲۷۳
ملاقات با زندانی‌ها.....	۲۷۵
دیدار با آقای اخوی تبعیدی.....	۲۷۹

فصل پنجم:

بودن و ماندن.....	۳۸۳
فعالیت‌ها و مبارزات حقوقی.....	۳۸۵
تشکیل جمعیت حقوقدانان ایران.....	۳۹۰
تشکیل جمعیت حقوقدانان مسلمان.....	۳۹۴
فعالیت در دادگستری.....	۳۰۰
همکاری در تدوین پیش‌نویس قانون اساسی.....	۳۰۵
فاجعه‌ی ۱۷ شهریور.....	۳۰۷
زلزله‌ی طبس.....	۳۱۰
فعالیت‌های خیریه.....	۳۱۲
سفرهای خارجی.....	۳۱۵
در نوفل لوشاتو.....	۳۲۴
تحصن در دانشگاه تهران.....	۳۳۰
کمیته‌ی استقبال.....	۳۳۳

فصل ششم:

۳۴۳.....	ضرب‌هنگ هستی
۳۴۵.....	دولت موقت
۳۴۹.....	مدرسه‌ی رفاه
۳۵۲.....	مدیریت اسناد
۳۵۳.....	دادم‌رای موقت انقلاب
۳۶۱.....	بازرسی از ناصر مقدم
۳۶۷.....	آغاز محاکمه‌ها
۳۷۳.....	انتقال زندانی‌ها به زندان قصر
۳۸۹.....	سازمان اطلاعات و امنیت
۳۹۵.....	اوضاع و احوال اوایل انقلاب
۳۹۸.....	رویارویی نافر جام با بنی صدر
۳۹۹.....	مسجد حجت ابن‌الحسن (عج)
۴۰۳.....	ترور نافر جام
۴۰۵.....	ترک کار و کالت
۴۰۷.....	گاه‌شمار
۴۰۹.....	اسناد و تصاویر
۴۸۳.....	کتابنامه
۵۰۱.....	نمایه

مقدمه

از نگاه بسیاری از صاحب‌نظران یکی از مهم‌ترین کارکردها و دستاوردهای تاریخ در جوامع بشری، انتقال تجارب نسل‌های پیشین به آیندگان است. بنابراین و از این منظر، تاریخ را می‌توان بستری برای انتقال تجربیات و محملی برای تجربه‌اندوزی آدمی دانست. اما سؤالی که اینجا مطرح می‌شود آن است که مگر انسان پیایی در حال کسب تجربه در زندگی شخصی و از محیط پیرامونی خود نیست که نیازمند به تجربیات گذشتگان خود باشد. جواب این سؤال در تفکیک میان دو مبحث «تجربه‌کردن» و «شناخت تجربه» نهفته است. در قسمت اول انسان لاجرم و ناگزیر در طول حیات خود در معرض تجربه است اما تجربه‌کردن به معنای شناختن تجربه نیست، چون شناخت تجربه منوط به تحقق سه شرط است: اولاً توصیف تجربه به واسطه‌ی مهارت و دانش، ثانیاً کشف و توضیح ارتباط میان حادث‌شدن یک تجربه با تجربیات دیگر افراد و ثالثاً تبیین چرایی حادث‌شدن تجربه و ارائه‌ی یک گزارش عملی نظام‌مند.

با این تفصیل اگر افراد یک جامعه دائماً به بیان آنچه در زندگی خود و در حوزه‌ی فعالیت‌های خود تجربه کرده‌اند و از آن تجربه شناخت یافته‌اند همت گمارند و سپس آن تجربیات را پالایش کرده، شرح و بسط دهند و آنها را در قالبی نظام‌مند بیان کنند، با دانشی برخاسته از بستر جامعه مواجه خواهیم شد که آن را می‌توان دانش بومی نامید. دانشی که بر پایه‌ی تاریخ شفاهی و خاطرات افراد جامعه پی‌ریزی شده

است و این قابلیت را دارد که در همه‌ی زمینه‌ها و موضوعات که به انسان و محیط پیرامونی او مربوط می‌شود تسری یابد.

در ایران نیز انتقال تجربیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و... از نسلی به نسل دیگر به روش‌های مختلفی از جمله شیوه‌ی خاطره‌نگاری که یکی از سبک‌های تاریخ‌نگاری به شمار می‌رود، از اواسط دوره‌ی قاجار بروز و ظهور یافت. اما بیشتر این خاطره‌نگاری‌ها به دلایلی از جمله نپرداختن راوی خاطرات به علل و چرایی وقوع حوادث تاریخی، ترسیم ناقص حوادث و رویدادها در خاطرات، بی‌علاقگی بسیاری از رجال سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... برای بازگو کردن خاطرات خود و به دنبال آن رعایت نکردن توالی تاریخی در بیان خاطرات و تجربیات نسلی به نسل دیگر و... باعث شد آن گونه که می‌بایست «شناخت تجربه» حاصل نگردد.

با وجود این، مراکز، سازمان‌ها و موسساتی در ایران وجود دارند که با وقوف به این مهم در گردآوری خاطرات شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و... این مرز و بوم تلاش و کوشش می‌نمایند تا زمینه را برای انتقال تجربیات و خاطرات نام‌آوران حوزه‌های مختلف به نسل‌های آینده فراهم آورند که در این میان مرکز اسناد انقلاب اسلامی با توجه به رسالتی که در جهت تدوین تاریخ انقلاب اسلامی بر دوش دارد، به ضبط و ثبت و تدوین خاطرات پیشگامان انقلاب اسلامی همت گمارده و اینک با افتخار جلد نخست از خاطرات آیت‌الله سید محمد خامنه‌ای را تقدیم می‌دارد. مرکز اسناد انقلاب اسلامی ضمن قدردانی از آیت‌الله سید محمد خامنه‌ای جهت بیان خاطرات خود در این مرکز، از زحمات تدوینگران اثر آقایان جواد کامور بخشایش و جواد عربانی، معاون تاریخ شفاهی آقای مرتضی میردار و آقای حسین کاوشی کارشناس گروه خاطرات و آقایان رضا بسطامی و عباس آقایی و نیز از همه‌ی همکاران محترم در معاونت اطلاع‌رسانی و مؤسسه‌ی فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی تشکر می‌کند.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

بیست و نهم نکر از اسنم نقد بیدار

بیت و نقد لذت و لذات نقد آن

فقت خود را بیدار و بیدار نقد آن

در نقد همه از حد اندر نقد آن

نقد آن نقد آن

www.ketab.ir

پیشگفتار

خاطره‌نگاری و خاطره‌نویسی به عنوان یکی از شیوه‌های مورد توجه تاریخ‌نگاری در سه دهه‌ی اخیر، هنگامی می‌تواند در قالب ژانر (گونه) ادبی قرار گیرد که ادبیات و تاریخ آن را در مسیر روایت همپوشانی کنند. به سخن دیگر، راوی در نقل روایت با توجه به اسنادات تاریخی سخن بگوید و تدوینگر در چگونگی روایت، ادبیات فاخری را به استخدام آورد. آنگاه است که می‌توان به آن متن علاوه بر کارکرد تاریخی کارکرد ادبی نیز قایل شد، چرا که خواننده با خواندن روایت به این احساس می‌رسد که متن با او سخن می‌گوید و او به جای آنکه متن را بخواند گویی آن را از زبان راوی می‌شنود.

جذابیت متن زمانی دو چندان می‌شود که تدوینگر اثر با بهره‌گیری از دیگر دانسته‌ها و منابع به‌ویژه روایت اشخاص قصه‌های راوی گفته‌های او را مستندتر کند و متن و مستندات (پاورقی) را در تعامل با هم حرکت دهد. این شیوه چندی است با آزمایش و خطاهایی پیش می‌رود اما اقبال خواننده به این شیوه و جذابیت روایت به علت رعایت فحامت، درستی و استواری متن و پختگی زبان و سادگی نشر از دلایلی است که نویسندگان را به تمرین نگارش با این شیوه سوق می‌دهد. در اثر حاضر کوشیده شده در حد توان قلمی مؤلفه‌های پیش‌گفته مراعات شود و نشر در عین سادگی، جذابیت خود را حفظ کند و روایت در عین اصالت و همپوشانی با منابع مرتبط، لطافت زبانی و روایی را در سرشت خود داشته باشد؛ و صد البته صراحت

گفتار راوی هم مؤلفه و مشخصه‌ای است که در تلفیق با مؤلفه‌های دیگر متن و روایت را ممتاز کرده است.

با گذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز هم شنیدن خاطرات آن دوران از زبان نقش‌آفرینان آن جذابیت دارد. این جذابیت‌ها شاید در پرافت و خیز بودن حوادث یا در تشنگی دانستن بیشتر درباره‌ی انقلاب باشد و شاید هم در گزینش ژانر خاطره برای چگونگی بیان حادثه. هر چه که هست نسل امروز همچنان تشنه‌ی دانستن بیشتر درباره‌ی انقلاب اسلامی، رخدادها و نقش‌آفرینان آن است و با انتشار هر اثری در این زمینه گویا بخشی از ابعاد پنهانی که در ذهن او از انقلاب ترسیم شده و در ابهام باقی مانده روشن می‌گردد.

در سی و اند سال گذشته خاطرات بسیاری را از زبان شخصیت‌های همگام با نهضت امام شنیده یا خوانده‌ایم. گاهی هم این خاطرات را از زبان شخصیت‌هایی شنیده‌ایم که در شمار نقش‌آفرینان مهم نهضت و انقلاب بوده‌اند. امروزه شاید از نگاه برخی، نقش‌آفرینی از دوران انقلاب باقی مانده که خاطره‌اش را تگفته باشد و نقش‌آفرینان اصلی آن یا در همان سال‌های اول انقلاب قربانی شدند و یا در سال‌های بعد از قطار انقلاب پیاده شده تغییر مسیر دادند؛ دیگر نقش‌آفرینان جسته از گزند حوادث نیز به مرور در طول این سال‌ها خاطراتشان را روایت کرده‌اند، اما مطالعه‌ی این اثر نشان می‌دهد که هنوز هستند برخی از شخصیت‌های مهمی که بنا به دلایلی گنجینه‌ی اسرارشان را از حوادث انقلاب نگشوده بودند و امروز باز به دلایلی، که مهم‌ترین آنها احساس وظیفه در پیشگاه تاریخ و جلوگیری از تخریفات تاریخی است، برخی اسرار نهان را فاش می‌کنند و از رویدادهای ناشنیده حرف می‌زنند.

آیت‌الله سید محمد خامنه‌ای در حالی به روایت خاطراتش نشست که حدود سی سال از انقلاب گذشته بود. او که افتخار برادری مقام معظم رهبری را دارد خود از شخصیت‌های مهم انقلاب و از نقش‌آفرینان دوران نهضت به شمار می‌رود و بی‌تردید جنس خاطرات چنین شخصیتی بسان حریر ارزشمندی است که در تبیین ابعاد تاریخ انقلاب جایگاه ویژه‌ای دارد. او ساده، صمیمی و در عین حال صریح حرف می‌زند. در

گله‌مندی از انتشار برخی خاطراتی که به اعتقادش نادرست روایت شده‌اند بی‌پرده سخن می‌گوید و می‌کوشد پرده از برخی اسرار ناگشوده بردارد و تصویر درستی از حوادث و وقایع و نقش‌آفرینان آن ارائه دهد. با آنکه مجموعه‌ی حاضر نمی‌تواند شامل همه‌ی خاطرات چنین شخصیتی باشد و او اعتقادی به روایت خاطرات مربوط به زندگی شخصی و بی‌ارتباط با تاریخ انقلاب را ندارد، هر آنچه تشخیص داده روایت کند روایتی روان و پخته و لطیف است و به خاطر احاطه‌اش به فلسفه و تاریخ و ادبیات، آمیخته‌ای از آنها، به‌ویژه به طنز و شواهد شعری و ادبی است.

آیت‌الله خامنه‌ای به‌مثابه یک فیلسوف است و بخش‌هایی از خاطراتش آنگاه که با استدلال‌های فلسفی تاریخ را می‌کاود و نتیجه‌گیری‌های منحصربه‌فردی می‌کند آموزنده است و آمیخته‌شدن این موضوع با خاطرات برهه‌های زندگی وی، روایت او را خواندنی ساخته است.

نخستین و مستمرترین گامی که به موازات تدوین و پالایش متن برداشته شد مستند کردن روایت‌ها و انطباق خاطرات راوی با حقایق و واقعیت‌های تاریخی بود که در طی این مسیر بیش از دویست منبع تاریخی را بررسی کردیم و فهرست این منابع را در انتهای کتاب گنجانیدیم. در طی این بررسی‌ها بسیاری از خاطرات آیت‌الله را با آوردن اسناد و شواهد تاریخی غنی ساختیم و بخش‌های زیادی از خاطرات وی را با خاطرات و روایت‌های دیگران همپوشانی کردیم. پادفرقی‌ها نتیجه‌ی این تلاش‌هاست با ارائه‌ی تازه‌ترین اطلاعات درباره‌ی وقایع تاریخی، زندگی افراد و معرفی برخی زمان‌ها و مکان‌ها.

برآمده‌ی سی جلسه‌ی اول مصاحبه با آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای که توسط رضا بسطامی و عباس آقایی در بازه‌ی زمانی ۱۳۸۵-۱۳۸۸ انجام یافته و نتیجه‌ی چند مصاحبه‌ی تکمیلی از سوی تدوینگران، کتاب پیش روست که براساس سیر تاریخی زندگی راوی را می‌کاود و خواننده را با حوادث و وقایع زندگی او (عمدتاً وقایعی که ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با رخداد‌های انقلاب دارد) تا دوره‌ی تاریخی اول انقلاب پیش می‌برد. برآیند سی جلسه‌ی دوم خاطرات آیت‌الله را در جلد دوم همین کتاب

بگنجانیم.

کتاب حاضر به عنوان جلد اول از خاطرات آیت‌الله سید محمد خامنه‌ای در شش فصل تبویب و تنظیم شده است. فصل اول با عنوان «تکاپو برای دانستن» به پیشینه‌ی خانوادگی آیت‌الله سید محمد خامنه‌ای و همچنین آغاز تحصیلات ایشان در شهر مشهد اشاره دارد. فصل دوم این اثر به فعالیت‌های علمی و اجتماعی وی در شهر قم اختصاص یافته است. در فصل سوم که عنوان «پویایی در زلال جاری نهضت» نام گرفته به موضوعاتی چون تشریح وضعیت شهر قم در زمان فوت آیت‌الله بروجردی، مرجعیت امام خمینی و آغاز نهضت امام می‌پردازد. فصل چهارم به مباحثی همچون تداوم فعالیت‌های سیاسی اجتماعی ایشان در شهرهای قم و تهران اشاره دارد. فصل پنجم شامل فعالیت‌ها و مبارزات حقوقی راوی در دوران اوج نهضت اسلامی است و فصل ششم به عنوان آخرین فصل و با نام «ضرباهنگ هستی» به عمده فعالیت‌های راوی در آغازین ماه‌های پیروزی انقلاب اشاره دارد و از تلاش‌های او در کنار دیگران برای استقرار نظام جمهوری اسلامی سخن می‌گوید.

بر آن نیستیم سختی‌های مسیر تدوین و تحقیق این اثر را برشماریم و ذهن خواننده را بیازاریم، اما یقین داریم با مطالعه‌ی آن بخشی از این سختی‌های پژوهشی بر خواننده نیز ملموس خواهد بود.

نگارش اثر حاضر را مدیون لطف و عنایت الهی هستیم. اما شایسته است در کنار آن سپاسگزار عزیزانی باشیم که از آغاز طرح تا پایان آن همواره یاورمان بودند و همراهی علمی‌شان را لحظه‌ای از ما دریغ نکردند. حجت‌الاسلام والمسلمین روح‌الله حسینیان ریاست محترم مرکز اسناد انقلاب اسلامی، دکتر مرتضی میردار در معاونت تاریخ شفاهی، دکتر جواد منصوری در معاونت اطلاع‌رسانی، مهندس محمد شهاب گنابادی، رحیم نیکبخت، رضا بسطامی، فرشید شریعتمداری، دکتر داود قاسم‌پور، اسماعیل قلعه‌قوند، سعید رضایی‌فر، حسین کاوشی، نادر خبازی، خانم لیلا جعفری و برخی دوستان در انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی در زمره‌ی بزرگوارانی هستند که بی‌همراهی‌شان تدوین این اثر به سرانجام نمی‌رسید. سپاسگزار همه‌شان هستیم و

همراهی و همفکری‌شان را ارج می‌نهیم.

ارزش و اهمیت این اثر زمانی برایمان روشن خواهد شد که خواننده‌ی محترم انتقاد و پیشنهادش را پس از مطالعه‌ی آن با ما در میان بگذارد و با ارائه‌ی پیشنهادها و گوشزد کردن اشتباهاتمان ما را در ارائه‌ی تاریخ درست‌تر و دقیق‌تر همراهی و یاری‌مان کند تا خدای ناکرده ناخواسته و نادانسته مدیون انقلاب و تاریخ آن نباشیم و تاریخ نادقیقی برای آیندگان به یادگار نگذاریم.

جواد کامور بخشایش - جواد عربانی

Javad.kamvar@yahoo.com

Arabani1981@yahoo.com

روز میلاد پیامبر اکرم (ص)

۱۷ ربیع‌الاول ۱۴۳۴/۱۰ بهمن ۱۳۹۱

www.ketab.ir

سخن رازی

در میان تمام حوادثی که در تاریخ سرزمین ایران و شاید در تمام جهان روی داده، می‌توان ادعا کرد که حادثه‌ای به اهمیت و عظمت انقلاب اسلامی ایران معاصر نبوده است. این سخن در نگاه اول شاید، انکاربرانگیز و شگفت‌آور به نظر برسد اما با تحلیل این انقلاب از ابعاد مختلف تاریخی و محتوایی آن می‌توان به این باور صادق رسید که در تحولات و تغییرات اجتماعی محدودی که در ایران پیش و پس از اسلام روی داده پدیده‌ای تاریخی، عظیم‌تر از این انقلاب مردمی و انسانی نبوده است.

برخی ممکن است گمان کنند که اهمیت این انقلاب را در براندازی نظام طاغوتی وابسته و بی‌عرضه‌ی پهلوی می‌دانیم که این‌گونه نیست، چه براندازی نظامی مهم‌تر و بزرگ‌تر از آن نظام سلطنتی هم در روابط اجتماعی بشری پدیده‌ای عادی است و ایران، این کشور رنج‌کشیده‌ی دوران‌ها، سقوط حکومت‌هایی مانند عیلام و ماد و هخامنشیان و سلسله‌های دیگر ایرانی و غیرایرانی (و حتی افسانه‌ی جمشید و ضحاک و انقلاب مردمی رهبری به نام کاوه آهنگر) را به خود دیده است و گمان‌ها و پندارهای دیگری از این قبیل راه به جایی نمی‌برند و حدیث آنان «فسانه گشته و کهن»^۱ شده است و امروز تأملی را بر نمی‌انگیزد، اما اهمیت انقلاب اسلامی ایران در جای دیگر و در چیز دیگری است و آن را نباید و نمی‌توان با نمونه‌های دیگری از

۱. فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر سخن نو آر که نو را حلاوتی است دگر

حرکات مردمی که همتای آن در بیداری اسلامی معاصر و حتی بیداری انسانی ملت‌های جهان کنونی است، مقایسه کرد. انقلاب اسلامی ایران انقلابی جهانی و جهانگیر است که ابعادی معنوی و اخلاقی فراگیر دارد و براساس اهداف والای انسانی و آزادی و آزادی و کرامت انسانی و نیز توحید و خدامحوری بنا شده است و رسالت پیامبرانه‌ی آن نه رهایی یک ملت، که رهایی بشریت از جهالت و زور و استثمار و البته دعوت همه‌ی انسان‌ها به استقلال و عزت و آزادی می‌باشد.

طرد و اخراج لاشه‌خواران بیگانه یا بیگانه‌پرست، که این سرزمین کریم را میدان تاراج و ویرانگری کرده بودند، اگرچه یکی از برکات این انقلاب مقدس بود اما هدف انقلاب متعالی‌تر از اینها بود؛ یعنی زندگی در سایه‌ی اسلام و حیات باعزت انسانی، نه نان و معاش و مسکن.

ارزش هر انقلاب یا تحول و تغییر اجتماعی در اهداف و غایات فلسفی و عرفانی آن نهفته است، از این روست که ادعا می‌کنیم هیچ انقلابی این ویژگی را در سطح ملی و حتی جهان نداشت و اسلام و آئین مقدس پیامبر اعظم (ص) گرچه بزرگ‌ترین انقلاب انسانی بود اما انقلابی ملی و مردمی و دستاورد اراده‌ی جمعی مسلمانان نبود و به خود پیامبر اکرم (ص) و علی امیرالمؤمنین (ع) بستگی داشت و نباید آن را به حساب مردم مسلمان آن دوران گذاشت و انقلاب اسلامی مردم آن زمان شمرد.

تاریخ چیزی جز جمع جبری افعال ارادی جوامع بشر نیست. تمام افعالی که بر این کره‌ی خاکی روی می‌دهد و اراده و اختیار بشر در آن دخالت دارد، مواد و مصالح اصلی تاریخ‌اند. حوادثی همچون تولد و مرگ بنی‌آدم حوادثی طبیعی هستند و همه‌ی موجودات جهان تولد و مرگ دارند، اما تاریخ از آنجا ایجاد می‌شود که اجتماعات بشری به حکم تقدیر الهی دست به تحریر سرنوشت خود می‌زنند و حادثه می‌آفرینند، حوادثی که - خوب یا بد، با جنگ یا صلح، خیرات یا شرور - همه در چارچوب مشیت ازلی الهی واقع می‌شوند و بر روی هم سیر تکاملی جوامع بشری را رقم می‌زنند.

اگر بشر به جنگ دست نمی‌زد به قول کلام مجید الهی، مساجد و صومعه‌ها بر روی پای خود باقی نمی‌ماندند^۱ و اگر صلح نبود، انسان فرصت تربیت و تکامل نمی‌یافت. مردم و ملت‌ها در هر قرن و دهر و زمان، با تغییرات اجتماعی و تحولات ظاهری و معنوی خود، برگی بر تاریخ افزوده‌اند و اصولاً آنچه را که به نام «دینامیسم تاریخ» معرفی می‌کنند چیزی جز اراده‌ی جمعی انسان‌ها نیست و چون مشیت مردمان تاریخ‌ساز، نماد و سایه‌ای از مشیت ازلای الهی است،^۲ پس تاریخ، مظهر مشیت الهی است و جامعه‌ی انسان‌ها و اراده‌ی جمعی آنها وسیله و واسطه‌ی وقوع آن مشیت است.^۳

انقلاب اسلامی ایران، حادثه‌ای نبود که به برخی وقایع گسترده‌ی سراسری یا شهری و خیابانی یا حوادثی به صورت اجتماعی دسته‌ای خاص از مردم محدود شود. در پیش و پس واقعه‌ی انقلاب (روز ۲۲ بهمن ۵۷) به عدد جماعات یا افرادی که در رکاب این نهضت عظیم عقیدتی و فلسفی بودند، حادثه روی داده است و همه‌ی افراد و گروه‌های فعال جامعه، یک به یک اجزاء تاریخ انقلاب اسلامی ایران و این واقعه و پدیده‌ی عظیم بودند و هستند و هر یک گوشه‌ای از این واقعه‌ی بزرگ تاریخ را به نمایش گذاشتند. تاریخی که باید با دقت و حوصله و ارادت تام به تدوین و جمع و نگارش آن پرداخت و از هیچ گوشه‌ی این دستگاه و نقطه‌ای از این رویداد عظیم غفلت ننمود.

عظمت این رویداد و نقش مثبت آن در آینده‌ی بشر روی زمین و بالطبع تأثیر آن بر روی نظام‌های فاسد جهانخوار و جهانگیر و آینده‌ی سقوط و نابودی آنان، تا به اندازه‌ای است که یکباره تلاش همه‌جانبه‌ی این عوامل فسادگستر و استثمارگر را برانگیخت و دیدیم که در همه‌ی عرصه‌های مقابله و مقاومت، همچون ایجاد جنگی

۱. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۰

۲. سوره‌ی تکویر، آیه‌ی ۲۹ / سوره‌ی انسان، آیه‌ی ۳۰

۳. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۱۱

سخت نظامی، کودتا، جنگ سیاسی و تبلیغاتی نرم و انواع مبارزات اقتصادی و تحریم و خرابکاری از بیرون و از درون کشور (مانند محاصره‌ی نظامی کشور از راه حمله و تصرف عراق و افغانستان، ایجاد اختلاف‌های مذهبی و نژادی، تشکیل گروه‌های تروریستی، حتی اجرای طرح براندازی در سال‌های ۷۸ و ۸۸ حمله به زیرساخت‌های فرهنگی و تربیتی، نفوذ نرم‌افزاری در دانشگاه‌ها و همه‌ی زمینه‌های مذهبی و اعتقادی یا فکری و فلسفی، مانند آن) از هیچ سعی و تلاشی خودداری نکردند.

یکی از این تلاش‌ها که متأسفانه با آن مقابله‌ی متناسب و فراگیر انجام نشد توطئه‌ی تحریف تاریخ این انقلاب مقدس و الهی بود که به دست عده‌ای از مزدوران قلم به دست آنان و افرادی گرگ پوستین پوشیده‌ی داخلی و ناکسانی گندم‌نمای جو فروش که در کسوت خودی و انقلابی، در ارکان نظام نفوذ کرده‌اند انجام شد، و با اندیشه‌ی راهزنی تاریخ، آن را به بازی گرفتند و هر آنچه را که می‌خواستند در سایه‌ی باور مردم، به‌عنوان تاریخ‌نگاری دوران انقلاب بافتند و به دست مردم دادند تا همان‌گونه که تاریخ مشروطه به دست عده‌ای مزور و مزدور به تحریف و کذب کشیده شد، تاریخ کاذبی از این انقلاب بسازند و میوه‌ی این کار را در آینده بچینند.

جای شادمانی و شکر است که ساختار سالم نظام و موشمندی مدیران آن، خود به دفاع از تاریخ انقلاب برخاست و از جمله، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، از پیش، به گردآوری حوادث و گوشه‌های تاریک تاریخ انقلاب پرداخت و با نقب‌زدن به خاطرات اشخاصی که در کشاکش وقایع ایام پیش و پس از انقلاب کم یا بیش حضور داشته و حقایق و وقایعی را دیده بودند، گوشه‌های پنهان ولی واقعی با نزدیک به واقع این حادثه‌ی عظیم را گردآوری و تدوین و چاپ کردند. این کار گرچه، بخشی از آن به گوشه‌ای از زندگی خصوصی خود افراد مربوط می‌شد اما بالطبع به وقایع عام انقلابی نیز پیوند دارد و جزئی از تاریخ شمرده می‌شود.

اثر دیگر گردآوری زندگینامه‌ی کسانی که به گونه‌ای در این انقلاب عظیم حضور داشته‌اند آن است که نوعی سپاس و قدردانی از آن افراد و معرفی آنان به حافظه‌ی جامعه محسوب می‌شود و در تاریخ رجال مسلمان همواره شرح و بیان زندگی علما یا

خدمتگزاران دیگر جامعه را تذکره‌نگاری و گاه ترجمه می‌نامیدند. تذکره یعنی تذکر و یادآوری نام و خدمات آنان به مردم تا خود آنان و سهم‌شان به فراموشی سپرده نشود و حقوقشان ضایع نگردد. و ترجمه یعنی مفاهیم و حقایق نهفته در پرده‌ی ذهن و زندگی آنان را به‌زبانی دیگر که زبان مردم است، بیان کردن.

این ظرافت که در لفظ «ترجمه - به معنی زندگی‌نامه -» هست خبر از مسئولیتی می‌دهد که در ریدگان جامعه هست تا بار مسئولیت ضبط و حفظ و ذکر تاریخ واقعی را بکشند و مانند یک مترجم که بار ترجمه از زبانی به زبان خودی را بر دوش دارد، هم با زبان دل راویان و هم با زبان تاریخ‌نگاری آشنا باشند و راهی به گنجینه‌ی نهفته - ی خاطرات اشخاص مورد نظر پیدا کنند و گاه نشتری به زخم کهنه‌ی دل آنها بزنند و لوح زنگ‌زده و زنگار غم‌گرفته‌ی دل آنها را به دست بگیرند تا صفحات تاریخ را با آن رنگین و سنگین سازند.

این روش - یعنی گردآوری خبرده‌های تاریخ در لابه‌لای مصاحبه و تحقیق از اشخاص و شخصیت‌های معروف یا غیر معروف - یکی از سه روشی است که می‌توان به کار بست و یافت.

رسم اول، رسم خودنگاری است که مورخ خود قلم به دست بگیرد و در ازای زحمتی که به خلق خدا می‌دهد و آنها را به خواندن اثر خود وامی‌دارد، بار دل خود را سبک کند و خود را از رنج حاملگی آن رها سازد. و اگر از زمره‌ی ساده‌دلانی است که کمالاتی برای خود باور دارند و خود را الگویی می‌شمرند، با این کار دست به نگارش سرگذشت خود بزنند و به گمان خود، منزلتی برای خود تحصیل کند.

رسم دوم، نگارش زندگی دیگران است که براساس اعتقادی که کم و بیش به آن شخص یا شخصیت دارند به شرح زندگانی او می‌پردازند و برای الگونمایی وی یا به هدف تربیت کردن دیگران یا عبرت‌آموزی و یا منافع‌ی که از آن می‌برند، کتابی از خود به جای می‌گذارند.

رسم سوم، که به نظر شیوه‌ی نویی می‌رسد، روش کسانی است که زندگی اشخاص را از زبان خود آنها می‌شنوند و گردآوری می‌کنند و فی‌المثل مانند کسانی

هستند که رنج حقاری به خود می‌دهند به این امید که دینه‌ای ارزشمند بیابند و یا باستانشناسانه به دخمه‌ی دل مردم وارد شوند تا لوح خاموش آنان را به زبان بیاورند و سرگذشتی این بار نه از «قصه سکندر و دارا»،^۱ که از گذشته و «حکایت ارباب وفا» به صورت نوشتار به دید و دانش دیگران بسپارند.

این انواع روش‌های طرح و شرح زندگی اشخاص، هر کدام و هر چه باشد، این فایده را دارد که نه فقط بر حجم و فایده‌ی تاریخ می‌افزاید، بلکه برای آیندگان افسانه‌ای می‌شود، اما افسانه‌ای که به جای به خواب بردن شنونده و خواننده‌ی آن، خواب از سرشان برباید و عبرت و درس و اندرز برای آنان باشد و چراغ راه آیندگان و آینده‌ی جوانان نسل‌های بعد گردد.

با تمام سودمندی نگارش سرگذشت برای افرادی که بیش از نیم‌قرن شاهد حوادث بزرگی بوده‌اند و تجربه‌ها و سخن‌ها دارند، من به دلایلی طول این سه دهه دست به این کار نزدم و غمنامه‌ها و یادداشت‌های متفرقه‌ای را که پیش و پس از انقلاب برای خودم نوشته بودم منتشر نکردم و خدمات ناچیزی را که نموده بودم، در جنب انقلاب مردم ایران و کار عظیم ملت و خونی که شهدا تقدیم کردند و رنجی که جانبازان و آزادگان کشیدند، ذره‌ای بی‌مقدار می‌دیدم از این‌رو چند سالی در برابر خواسته‌ی دوستانی از مرکز اسناد انقلاب اسلامی و کسانی که دعوت آنها را به من می‌رساندند و اصرار بر این کار داشتند مقاومت کردم ولی سرانجام به سبب ملاحظه‌ی تحریقاتی که در نوشته‌های متفرقه‌ای که در یمین و یسار ملاحظه می‌شد و بیم تحریف تاریخ می‌رفت، تسلیم دعوت‌کنندگان به مصاحبه شدم و سرگذشتی را که در آن جز بیان حقیقت مقصودی نداشتم و از کسی «جزاء و شکوری» نمی‌خواستم، به صدق دل ارائه دادم تا اگر افسانه‌ای عبرت‌انگیز نشد، داستانی برای اوقات فراغت خلق خدا باشد و چشم و گوش آنها را نیازارد. ضمن تشکر از مساعی سازمان و

۱. ما قصه‌ی سکندر و دارا نخوانده‌ایم از ما به‌جز حکایت مهر و وفا مپرس (حافظ)

همه‌ی تهیه‌کنندگان مکرّم این زندگینامه، از خداوند حکیم مَنان، غفران غفلت‌ها و عفو قصور و تقصیرهای خود را در خدمت به اسلام و انقلاب و مردم، مسئلت می‌نمایم و در دل با این بیت هم‌صدا می‌شوم که: «تو کز خون شیر و نوش از نیش و گل از خار می‌سازی/ به چشم خلق شیرین ساز، تلخ افسانه‌ی ما را»

والسلام علیکم و رحمه‌الله

سید محمد خامنه‌ای